

گونه‌شناسی حظیره‌های مقابر خراسان بزرگ از سده‌های اولیه تا قرن چهارده قمری

فاطمه حبیبی زاده^۱

جواد نیستانی^۲

چکیده: مقابر حظیره‌ای خراسان بزرگ از نمودهای برجسته معماری در سده‌های مختلف اسلامی است. حظیره مزاری در فضای آزاد و محصور با چوب، آجر یا سنگ است تا به تأکید پیامبر اسلام (ص) مبنی بر تدفین در محل غیرمسقف عمل شود. هدف از پژوهش حاضر، گونه‌شناسی معماری حظیره‌های نواحی خراسان بزرگ برای شناساندن سیر تحول ساخت آنها از نظر فرم، تحلیل موقعیت فضایی، نوع مصالح، تزئینات، وجوه افتراق و اشتراک هر یک است. یافته‌های تحقیق حاکی است که حظیره‌های مطالعه‌شده، در سه گونه ساده (سده‌های سوم و چهارم قمری)، ترکیبی ساده (سده‌های پنجم و ششم تا چهاردهم قمری) و ترکیبی پیچیده (سده‌های هشتم تا چهاردهم قمری) قابل دسته‌بندی است. در هر دوره تاریخی، تغییرات قابل توجهی در ساختار، موقعیت مکانی و تزئینات حظیره‌ها روی داده است. رویکرد نظری مقاله، مطالعات تاریخ فرهنگی با ابزار گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بازدید میدانی است.

واژه‌های کلیدی: مقبره، حظیره، گونه‌شناسی، خراسان بزرگ (آسیای مرکزی، خراسان، افغانستان)

شناسه دیجیتال (DOI): 00.00000/pte.00.00.0

۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی گرایش دوران اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت‌مدرس، تهران، ایران.

fhajjizade@yahoo.com <https://orcid.org/0009-0008-4899-7280>

۲ استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت‌مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

jneyestani@modares.ac.ir <https://orcid.org/0000-0002-4237-3660>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰



Typology of the Haziras of the Greater Khorasan Tombs from the Early Centuries AH to the 14th Century AH

Fatemeh Hajizadeh¹
Javad Neyestani²

Abstract: Hazira tombs in Greater Khorasan are among the prominent architectural manifestations of different Islamic centuries. Hazira is a burial in open space that is surrounded by wood, brick or stone in order to fulfill the Prophet's emphasis on burial in a non-roofed place. The purpose of this research is to determine the typology of the architecture of Haziras in the Greater Khorasan in order to identify the evolution of their construction in terms of form, analysis of spatial location, type of materials, decorations, differences and similarities among each of the,. The findings indicate that the studied Haziras can be classified into three types: simple (3rd&4th centuries AH), simple combination (5th-14th centuries AH) and complex combination (8th-14th centuries AH). In each historical period, significant changes have occurred in the structure, location and decorations of the Haziras. The theoretical approach of the paper is cultural historical studies, using data collection through desk studies and field visits.

Keywords: Tomb, Hazira, typology, Greater Khorasan (Central Asia, Khorasan, Afghanistan).

DOI: 00.00000/pte.00.00.0

1 PhD Candidate of archaeology of the Islamic era, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. fhajizade@yahoo.com <https://orcid.org/0009-0008-4899-7280>

2 Professor, Department of Archaeology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (corresponding author). jneyestani@modares.ac.ir <https://orcid.org/0000-0002-4237-3660>

Receive Date: 2024/03/03 Accept Date: 2024/07/31

مقدمه

آرامگاه‌ها که از مردمی‌ترین گونه بناهای مذهبی در ایران به شمار می‌آیند (دیتس، ۱۳۸۷: ۱۱۳۷/۳)، برخلاف مساجد، در معماری اسلامی با تأخیر ظاهر شدند که از مهم‌ترین دلایل آن، نقل حدیثی از پیامبر اسلام^(ص) درباره منع بنای ساختمان روی قبور است (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ق: ۳۷۸-۳۷۵/۱؛ بخاری، ۱۴۱۰ق: ۳۴۵-۳۹۵/۲). در سده‌های نخستین اسلامی، ساخت آرامگاه‌ها به تدریج در مناطق مختلف جهان اسلام آغاز شد و با رشد تصوف، به ویژه شکل‌گیری طریقت نقشبندیه در ایران و خراسان بزرگ طی سده‌های هشتم تا یازده قمری و با پافشاری مشایخی چون «خواجه احرار» مبنی بر بدعت دانستن ساخت مقبره بر مزارها، گسترش یافت (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۶: ۳۸۲-۳۸۱؛ Allen, 1983: 25). مراد از گونه‌شناسی در مطالعات باستان‌شناسی و معماری، دسته‌بندی بناها براساس نوع کارکرد، شکل پلان و وجوه مشترک در یک جزء ساختمان و توصیف و مقایسه ویژگی‌های آنهاست. در این مقاله، ویژگی‌های معمارانه حظیره و چگونگی جاگیری آن در فضای آرامگاه و ارتباط آن با بناهای هم‌جوار مطالعه می‌شود. فرض اصلی این است که سازنده و یا معمار فضاهایی با کارکردهای خاص را بنا بر روابط اجتماعی مردمان آن عصر در کنار هم انتظام داده است. روابط بین فضاهای معماری که براساس روابط کاربران آنها شکل گرفته است، خود را به مثابه یک الگو و یا طرح‌واره نشان می‌دهد که قابلیت کاربرد و تکرار در دیگر محوطه‌ها را دارد. در این نگاه، بناهای موجود از یک گونه ساده شکل گرفته و در طول زمان دچار تغییراتی شده و به گونه دیگری در آمده است. وظیفه محقق معماری، بازسازی زنجیره تکاملی یک بنای خاص و یافتن شجره نسلی آن است.

پیشینه پژوهش

تاکنون به گونه‌شناسی این نوع از مقابر به‌طور دقیق توجه نشده و در شماری از منابع و تحقیقات معاصر، تنها به توصیف کلی بناها بسنده شده است.^۱ هیلن براند با مطالعه زیارتگاه - حظیره «گازرگاه» در هرات، تنها به مستثنی بودن معماری آن از دو گونه اساسی مقابر برجی و چهارگوش

۱ برای نمونه نگاه کنید به: احمد صالحی‌کاخکی (۱۳۷۲)، «معماری ایرانی در شرق خراسان (تربت جام و تایباد) از قرن پنجم تا دوازده قمری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس؛

A, Arapov (2013), *The Artistic Culture of Central Asia and Azerbaijan in the 9th-15th Centuries*, Vol.4, Samarkand-Tashkent: IICAS.

گنبدخانه‌ای توجه کرده است.^۱ شیلا بلر و جاناتان بلوم نیز افزون بر توصیف کلی بنای مذکور، تنها بر مبنای طرح بقعه معروف خواجه عبدالله انصاری، به دلایل مذهبی ساخت این نوع آثار و نوآوری در ساخت مجموعه ورودی ساختمان پرداخته اند.^۲ گلمبک در تک‌نگاشتی ارزشمند درباره مجموعه خواجه عبدالله انصاری، به تدفین در فضای باز و قرار گیری آن در مقابل ایوان ورودی گنبدخانه و وجه نمادین آنها توجه کرده است.^۳ مقاله موسوی حاجی و دیگران با عنوان «سبک مقبره‌سازی متصوفه در شرق خراسان: باخرز، تربت جام، تایباد و هرات»^۴ به‌رغم نپرداختن به جزئیات معماری و تزئینات بنا و مطالعه سیر تحول این گونه از مقابر، یک پژوهش ارزشمند است.

اشتقاق نام حظیره

حظیره در لغت به معنای حصار و چهاردیواری روباز، پناهگاه و خوابگاه انسان، ساخته‌شده از نی، چوب و دیوار است و در معماری اسلامی به محل محصور قبور یک خانواده یا مشایخ متصوفه اطلاق می‌شود (حسینی قزوینی، ۱۳۸۳: ۳۵۴؛ حکیم ترمذی، ۱۴۲۲ق: ۳۰؛ ابوروح، ۱۸۹۹م: ۱۳-۱۴؛ عمر بن فارض، ۱۴۱۰ق: ۶۲/۴؛ نرشیخی، ۱۳۶۳: ۶۱؛ بیهقی، ۱۳۷۴: ۲۵۱/۱؛ فرغانی، ۱۴۲۸ق: ۶۲/۲؛ قمی، ۱۳۷۹: ۴۱۰؛ سلجوقی فکری، ۱۳۶۸: ۸۷-۴۱۲).

پیشینه ساخت و معماری نمونه حظیره‌های مطالعه‌شده

از نخستین حظیره‌های اشاره‌شده در متون، حظیره باهلیه شیراز (احتمالاً مربوط به اوایل دوره عباسی) و حظیره منسوب به اهل بیت (سده چهارم قمری) در نیشابور است (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۱۱۳-۱۱۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۲۰). همچنین از حظیره دیگری در قرن چهارم و ششم قمری نام برده شده که به ائمه هیاصمه در نیشابور تعلق داشته است. این حظیره، گورخانه‌ای با حصاری کوتاه و سردر بوده است (غزنوی، ۱۳۸۴: ۱۹۷).

۱ رابرت هیلن براند (۱۳۸۷)، معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه.

۲ شیلا بلر و جاناتان بلوم (۱۳۸۵)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: سروش.

3 Lisa Golombek (1969), *The Timurid Shrine and GazurGah*, Toronto: Royal ontario Museum.

۴ رسول موسوی حاجی، جواد خدادوست و شهین پورعلی یاری (زمستان ۱۳۹۱)، «سبک مقبره سازی متصوفه در شرق خراسان: باخرز، تربت جام، تایباد و هرات»، *خراسان بزرگ*، س ۳، ش ۹، صص ۶۳-۷۰.

کاوش‌های باستان‌شناسی قدمت قدیمی‌ترین حظیره‌های ساده اولیه در خراسان بزرگ را به سده‌های چهارم تا ششم قمری می‌رساند که عبارت‌اند از: مقبره امام ابوحنیفه کبیر (چهارم قمری)، ابوبکر سعد (چهارم قمری)، امام محمد بن جعفر (سوم و چهارم قمری) و مفتیان (چهارم تا ششم قمری) در سمرقند و بخارا (Arapov, 2013: 186؛ Yusupova, 1999: 230). افزون بر اینها، از قرن پنجم قمری گونه‌ای از قبر با برآمدگی قوسی‌شکل از آجر موسوم به «سغنه/ساغنه» (مانند تصاویر شماره ۲ و ۳)، با حصاری پیرامون آن، در سردابه مقبره‌ای منسوب به «آصف بن برخیا» در قرقیزستان وجود داشته است (Yusupova, 2012: 59؛ Amanbaeva, 2013: 80). از دیگر حظیره‌های این دوره، حظیره مسجد یادبودی تلختان‌بابا (پنجم و ششم قمری) در مرو و مزار خواجه عبدل (پنجم و ششم قمری) در خواف است. مسجد یادبودی تلختان‌بابا که پیرامون مقابر تلختان‌بابا، امام قاسم، امام شافعی و امام بکر ساخته شده، از گونه مساجد سه‌قسمتی آسیای مرکزی با گنبد، محراب و شبستان‌های ستون‌دار با پوشش تیریزی شده است (شملنیزکی، ۱۳۸۹: ۲۸۶؛ Hillen Brand, 1999: 104-488). حظیره این بنا، سغنه‌ای شکل آجری و برآمده از سطح زمین به ارتفاع دو متر در مقابل طاق ورودی میانی است (Yusupova, 2012: 59؛ تصاویر شماره ۱-۳). مزار شیخ عبدل در خواف نیز از گونه مساجد یادبودی سه‌قسمتی، شامل ورودی در ضلع جنوبی و هشتی بزرگ، دو ایوان و گنبدخانه در ضلع شمالی و سکویی به نام صندوق مزار به طول ۵/۳۰، عرض ۱/۶۰ و ارتفاع ۱/۲۵ سانتیمتر در میانه صحن آرامگاه است. بر بالای صندوق مزار و در قسمت پایین آن، سنگی افراشته نهاده شده است (تصاویر شماره ۴ و ۵). این مجموعه‌ها را به دلیل آجرهای منقوش به کار رفته در دیواره سکوی مزار و طراحی پلان سه‌قسمتی، به دوره سلجوقیان می‌توان نسبت داد و نیز به دلیل ساخت بنایی در ارتباط با حظیره از گونه حظیره ترکیبی ساده دانست.

حظیره‌هایی نیز از سده‌های هشتم تا چهاردهم قمری، به‌ویژه از عصر تیموری، در خراسان امروزی، افغانستان و آسیای مرکزی باقی است. مجموعه مقبره شیخ احمد جامی مشتمل بر ده فضای معماری (از سده‌های هفتم تا سیزده قمری)، شامل صحنی وسیع، گنبدخانه با نام و کارکرد جماعت‌خانه و نمازخانه (از سال ۶۳۳ق) و همچنین ایوان (از نیمه اول قرن هشتم قمری) است. قبر شیخ در جلوی این ایوان از آجر و گچ ساخته شده و طول آن ۵/۲۰ و عرض حدود ۲ متر با

ارتفاع حدود ۱ متر است. بر گرداگرد مزار، محجری سفیدرنگ به طول هشت متر و ارتفاع پنجاه سانتیمتر کشیده شده و در هر یک متر فاصله، ستون سنگی سیاه‌رنگی قرار گرفته است. روی برخی از ستون‌ها، کتیبه‌هایی غالباً فارسی به قلم ثلث و نستعلیق در ستایش شیخ جام با تاریخ ۱۰۵۴ق. و تاریخ الحاقی ۱۲۴۰ وجود دارد (تصاویر شماره ۶ و ۷).

دو سنگ قبر افراشته سفیدرنگ، بر بالاسر و پایین مرقد نشانده‌اند. لوح بالاسر که از دو قسمت نیم‌ترنجی در رأس لوح اصلی و یک قبه با تزئین خیاره‌ای در بالای آن ساخته شده، قابل توجه است. طرح دالبری، تاج ترنجی‌شکل، ترنج کتیبه‌دار، نقوش گل و برگ، مقرنس، کتیبه‌هایی حاوی نام‌های مقدس (الله، محمد) و اشعار فارسی به خط‌های کوفی گره‌دار، معقلی، ثلث و نستعلیق، از دیگر تزئینات دو لوح مذکور است (تصویر شماره ۷).

از دیگر حظیره‌های خراسان ایران، مسجد - مقبره مولانا شیخ زین‌الدین تایب‌ادی با بنایی از قرن نهم قمری است (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۴۸۳). آرامگاه یک طرح چهارطاقی، ایوانی رفیع از طاق آهنگ و صحنی با پنجاه طاق‌نما در گرداگرد خود دارد (Okane, 1979: 94؛ تصویر شماره ۸). تمامی بنا و ایوان جلوی آن با کاشی معرق، معقلی، با تلفیق سنگ و کاشی، نقاشی روی گچ و گچ‌بری با نقوشی مانند گلدان‌ها و گل‌های اسلیمی، ترنج‌ها، نقوش هندسی مانند گره و کتیبه‌های ثلث و کوفی تزئین شده است.

حظیره شیخ زین‌الدین در فضایی آزاد و در مقابل ایوان رفیع بنا قرار گرفته و در گذشته بر گرد آن محجری از سنگ خاکستری مشبک قرار داشته است. در این فضای محصور، افزون بر گور آجرچینی‌شده، دو سنگ قبر وجود دارد که یکی از آنها به‌طور عمودی در بالای مزار قرار گرفته و از جنس همان سنگ محجر است. دیگری از سنگ آهک است که در پایین قبر قرار دارد. بر سنگ سیاه بالاسر، شعر فارسی به قلم نستعلیق با نام فرد اهداکننده (خواجه درویش) و تاریخ اهدا (۱۰۳۰ق) آمده است (تصاویر شماره ۸ و ۹). در حاشیه سنگ قبر این کتیبه، رقم ۱۳۲۹ و عبارت «عمل حاجی اکبر حجار اصفهانی دربان حضرت سیدالشهداء ولد مرحوم الله کرم اسکندری، ۱۳۷۰» آمده است (مصطفوی، ۱۳۷۱: ۱۷۳/۱؛ صالحی کاخکی، ۱۳۷۲: ۲۸۹).

در دیگر حظیره‌های خراسان امروزی، چون مقبره خواجه عبدالله در باخرز (احتمالاً قرن نهم و دهم قمری)، آرامگاه طرق (قرن نهم قمری)، بقعه میر غیاث‌الدین در جام (احتمالاً مربوط به دوره صفوی)، مقبره شاهزاده قاسم (قرن یازده قمری) و مقبره منسوب به پدر شیخ زین‌الدین ابوبکر

تایبادی در تایباد (مربوط به دوره صفوی؟) نیز افزون بر گنبدخانه با ایوانی در جلو، مزار شامل سنگ افراشته کتیبه‌دار، تزئینات هندسی، گیاهی-اسلیمی و درخت سایه‌افکن است (صالحی کاخکی، ۱۳۷۲: ۲۲۲-۳۶۶؛ گدار، ۱۳۷۱: ۱۷۹/۱-۱۸۰). در بقعه خواجه عبدالله در باخرز، قبر در سمت محور ایوان قرار نگرفته و انحراف زیادی یافته است (تصویر شماره ۲۹). حظیره آرامگاه شاهزاده قاسم که در مقابل ایوان شرقی بنا قرار گرفته، با محجری زیبا به ابعاد $۵۰/۲ \times ۳۵/۵$ متر، لوح‌های سنگی مشبک گره‌سازی شده و ستون‌های سنگی کتیبه‌دار به قلم نستعلیق در حد فاصل لوح‌ها تزئین شده است (تصاویر شماره ۱۰-۱۲). در مقبره منسوب به پدر شیخ زین‌الدین ابوبکر تایبادی نیز ساختمان گنبدخانه حذف و ایوانی عمیق در ضلع غربی به ارتفاع $۶/۵$ ، عرض $۵/۵$ و دهانه $۳/۱۰$ متر با طاق گهواره‌ای و تویزه‌ای در جلوی قبر ساخته شده است.

بنا بر شمار مزارنامه‌ها و شواهد موجود معماری، بیشترین مقابر حظیره‌ای در کشور افغانستان جای گرفته است (سلجوقی فکری، ۱۳۷۳: ۳۴-۳۹۲). مجموعه خواجه عبدالله انصاری در شمال شهر هرات سه صحن دارد که حظیره و مزار خواجه در صحن دوم آن واقع است (سلجوقی فکری، ۱۳۴۱: ۱۳-۲۷). این صحن مستطیل‌شکل عصر شاهرخ تیموری، چهار ایوان دارد و با نام‌های عمارت سر مزار، مزار، حظیره، خانقاه، روضه، بقعه، آستانه، عمارت و مسجد جامع و مدرسه شناخته می‌شود (Okane, 1979: 95). ضلع غربی صحن دارای درگاه و حجره‌های بزرگ و کوچک مستطیل‌شکل با طاق‌های عرضی است و ضلع شرقی آن، تنها ایوانی بزرگ دارد که بر حظیره مزار خواجه در فضای آزاد سایه افکنده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۵: ۶۰-۶۲).

حظیره مزار خواجه از سنگ مرمر سفید ساخته شده و با گره‌بندی ممتاز و عبارت «الله و لاسواه» به قلم کوفی عالی، تزئین شده است. گرداگرد حظیره پنجره کاری از سنگ مرمر است. لوح و میل مرمرین بسیار زیبای مزار، با کتیبه‌های عربی و فارسی به قلم ثلث و نستعلیق ممتاز، نقوش گیاهی بسیار ظریف و قبه‌ای زیبا با تزئینات خیاره‌ای آراسته شده است (سلجوقی فکری، ۱۳۴۱: ۲۵؛ تصاویر شماره ۱۳ و ۱۴).

حظیره آرامگاه خواجه ابونصر پارسا -از صوفیان سلسله نقشبندیه- در شهر بلخ مربوط به دوره تیموری-ازبک است. خود آرامگاه طرحی هشت‌ضلعی دارد و در منابع از آن با نام‌های مزار، تکیه و مسجد یاد شده است (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/۲۰۵-۲۹۵؛ گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۹۶۴، ۴۱۲). حظیره خانوادگی خواجه ابونصر پارسا به شکل صدف در جلوی ایوان ورودی بنای

مقبره واقع است. تعداد تدفین‌ها، صندوق‌های قبر و شکل صدفه در طول زمان متفاوت گزارش شده است. امروزه تعداد شانزده قبر در حظیره باقی است (McChesney, 2021: 135-198) و دور تا دور صدفه را نیز نردۀ فلزی سفیدرنگی در برگرفته است (تصاویر شماره ۱۵ و ۱۶).

حظیره‌های فراوان دیگری در مناطق مختلف افغانستان باقی مانده است (برای فهرستی از آنها ن.ک. به: سلجوقی فکری، ۱۳۷۳: ۹۰-۳۴۴؛ گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۴۰۹-۹۷۸؛ اوکین، ۱۳۸۶: ۶۰-۵۴۶؛ Okane, 1979: 60-62). بیشتر این آثار از سده‌های نهم تا چهاردهم قمری بوده و از خشت، آجر، گچ، گل، انواع سنگ‌ها چون سنگ خارا و رخام برای ساخت محجر، سنگ قبر و لوح‌های بالاسر و پایین قبر استفاده شده است. اشکال محجرها شامل ساده تا پنجره‌ای و مشبک همراه با صندوق قبرهای مرمرین و لوح‌های سنگی محرابی‌شکل با تاجی زیبا و تزئینی است. به‌طور کلی کتیبه‌های این آثار شامل شرح حال متوفی با قلم‌های ثلث، نستعلیق، معقلی و کوفی است. از دیگر ویژگی‌های این حظیره‌ها - به استثنای نمونه خانقاه ملا کلان - قرار گرفتن آنها در مقابل ایوان ورودی و یا ایوان اصلی بنا است.

حظیره‌های بسیاری با گسترش تصوف - به‌ویژه طریقت نقشبندی - در منطقه آسیای مرکزی و در دو دوره تیموریان و شیبانیان ساخته شد که نمونه شاخص آن مجموعه مقبره خواجه احرار (۹-۱۴ق) از صوفیان نقشبندی قرن نهم قمری، در محله کفشیر در بیرون محوطه ملایان در شهر سمرقند است (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۶۱). از بین سازه‌های گوناگون مجموعه، مانند مدرسه، مسجد تابستانی با پیش‌خان ستون‌دار، مناره و سردر، تنها بنای مسجد واقع در انتهای غربی مدرسه و حوض هشت‌ضلعی در زمان حیات خود خواجه احرار احداث شده است از ویژگی‌های سازه‌ای و تزئینی این بنا استفاده از طرح رایج چهارایوانی (تصویر شماره ۱۷)، تزئینات کاشی معرق، کتیبه‌ها و طرح‌های هندسی، گیاهی - اسلیمی و جانوری است (Арапов, 2006: 39; Плетнев и Шваб, 1977: 160-164).

حظیره سنگ مرمرین خاکستری‌رنگ به نسبت مرتفع شیخ احرار دارای طرحی مستطیل‌شکل است و برخلاف نمونه‌های پیشین که در جلوی ایوان ورودی جای داشته، برابر حوض هشت‌ضلعی بزرگی قرار گرفته است (تصویر شماره ۱۷). چهار ضلع حظیره با قاب‌های مستطیل‌شکل و مربع‌شکل ساده و بدون نقش، به چندین بخش تقسیم شده است (تصویر شماره ۱۹). در حظیره تعدادی سنگ قبر همراه با لوح بالاسر مرمرین وجود دارد که حاوی کتیبه‌هایی غالباً به عربی

است. لوح بالاسر قبر خواجه احرار سمرقندی به شکل ساده مستطیل و از سنگ مرمر سفید، دربردارنده شعائری مانند «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، شجره‌نامه شیخ، تاریخ تولد و درگذشت او (۸۹۶-۸۰۵ق) و چند بیت فارسی است (Лапин, 1896: 19- 22).

از دیگر نقش‌ها و تزئینات این لوح، سه ردیف قرنیز حکاکی‌شده، نقش پیوسته زیگزاگ‌مانند دور تا دور قاب درونی لوح و آیه ﴿لَمَّا مَلَكَ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ (سوره غافر، آیه ۱۶)، همراه با طرح محراب‌مانند خالی از نقش است (تصاویر شماره ۱۸ و ۱۹). همچنین حظیره‌های دیگری از خاندان شیبانی، مانند حظیره براق‌خان^۱ و حظیره نوروز احمدخان در نزدیکی مزار خواجه احرار واقع شده‌اند. این حظیره‌ها نیز کتیبه‌هایی به زبان فارسی و عربی دارند (Маликов, 2023: 158; Badadjanov & et, 1997: 35-39; Арапов, 2019: 85).

حظیره مجموعه مقبره بهاء‌الدین (۹-۱۵ق) بنیان‌گذار طریقت نقشبندی، در روستای قصر عارفان بخارا در میانه صحن و در سمت حوض بزرگ آن قرار دارد (Zubaydullayev & Maxmatqulov, 2021: 58؛ تصویر شماره ۲۰). شکل ظاهری این مزار با ارتفاع ۱۴۲ تا ۲۱۳ سانتیمتر، شبیه حظیره خواجه احرار است. زوایای شرقی و جنوبی این حظیره، پیشتر با یک شبکه سنگی کم‌ارتفاع تزئین شده است (Аверьянов и Башарин, 2009: 296-318). امروزه این حظیره با سنگ مرمر خاکستری و بخش بالای آن نیز با محجری سنگی پوشیده شده است (تصویر شماره ۲۱). این محجر که از دو بخش تزئینی گره‌های مشبک جای داده شده در قاب‌های مستطیلی و ستون‌های تاج‌دار تشکیل شده، با نقوش گیاهی برجسته، منقوش گردیده است. لوح سنگی سفیدرنگ تاج‌دار که در پایین حظیره قرار گرفته نیز شامل نقوشی مانند گره، کتیبه‌های عربی، دو ترنج در پایه ستون و دو ستون ظریف پوشیده از نقش و نگار است. دیگر حظیره‌های موجود در مجموعه فوق، شباهت قابل توجهی را به حظیره بهاء‌الدین نشان می‌دهند (تصاویر شماره ۲۱ و ۲۲).

از دیگر ویژگی‌های معماری حظیره‌های آسیای مرکزی، قرار گرفتن قبر در صحن و در مقابل سردر و ایوان اصلی بنا (مانند نمونه آنو و مقبره غجدوانی)، انحراف موقعیت فضایی حظیره از محور ایوان (در نمونه‌ای مانند خواجه علیم) (تصویر شماره ۲۸) و یا حتی بدون توجه به موقعیت فضایی گنبدخانه (مانند مجموعه خواجه عبدی بیرون) (تصاویر شماره ۲۳ و ۲۴) و

ایجاد نوعی حظیره متفاوت مانند حظیره غجدوانی است (تصویر شماره ۳۲). بر سکوی تدفینی این حظیره، گنبدی استوار بر ستون‌های چوبی ساخته شده است. برای دیگر نمونه‌های حظیره‌های منطقه آسیای مرکزی (تصاویر شماره ۲۳-۲۸) که در این گونه‌شناسی مطالعه شده‌اند، ن.ک. به: پوگاچنکووا، ۱۳۸۷: ۷۵؛ شملنیزکی، ۱۳۸۹: ۳۹۳-۳۸۴؛ نوشاهی، ۲۰۱۰: ۱۰۰-۳۰۰؛ گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۹۹-۴۰۰؛ ۲۳-۲۷: Rayimkulov, 2023; Oumniakov & Aleskerov, 1973: 163; Abdug'afforovich & Qahramon o'g'li, 2021: 113; Пугаченкова и Ремпель, 1965: 333-343; Халилова & Исламова, 2023: 120-122; Арапов, 2019: 100; Маноев, 2016: 166-168; Pugatschenkowa & Chakimow, 1988: 10; Badadjanov et al, 1997: 1-97; *The Art of Central Asia*, 1996: 30; Арапов, 2006: 41; Юсефи, 2009: 30-170; Gupta, 2018.

بحث و تحلیل

خالق فضاهای معماری در کنار هم و با کارکردهای خاص که حاصل روابط اجتماعی مردمان هر عصر است، با اجزاء و عناصر معماری انجام می‌گیرد و رخ می‌نمایاند. هر فضای معماری بازتاب‌دهنده نوعی تعامل بین استفاده‌کننده و خود آن مکان است. به بیانی روشن‌تر، انتظام فضاهای معماری در کنار هم به معنای ارتباطات درونی آنها با یکدیگر است. از همین رو، با شناخت ارتباطات فضایی یک اثر معماری با اثر دیگر که بازتاب‌دهنده فعالیت‌های استفاده‌کنندگان از آن فضاهاست، معنا و روابط اجتماعی افراد استفاده‌کننده از آن مکان‌ها را می‌توان باز شناخت. از این منظر و با مطالعه اجزای معماری حظیره‌های به جای مانده از سده‌های سوم تا چهاردهم قمری در خراسان بزرگ، آنها را در سه گونه با شجره نسلی مشخص می‌توان دسته‌بندی کرد. گونه اول یا گونه پایه، سکوی تدفینی و محصور با حصاری آجری با درگاهی بوده که نمونه‌های آن در بنای مقبره امام ابو حفص کبیر (قرن چهارم قمری)، ابوبکر سعد (قرن چهارم قمری)، امام محمد بن جعفر (قرن سوم تا چهارم قمری) و مفتیان (قرن چهارم تا ششم قمری) در سمرقند و بخارا قابل مشاهده است (سلجوقی فکری، ۱۳۶۸: ۹۴؛ همو، ۱۳۴۱: ۳۱-۶۲؛ Yusupova, 2012: 62). در این گونه، ارتباط فضایی حاکم بر یک حظیره یا همان الگوی زیستی، در دیگر حظیره‌ها نیز قابل تکرار است، اما جسم و کالبد حظیره یا الگوی کالبدی که به مثابه گونه شکلی است، متفاوت از هم می‌تواند تکرار شود. گونه‌های ساده معمولاً شامل یک فضای باز و بی‌پیرایه است که از آن گونه‌های کامل‌تر آغاز می‌شوند. این واحد ساده مشخصه‌های کالبدی خود را داراست که در

قسمت معرفی نمونه‌های مطالعاتی توضیح داده شده است.

گونه دوم، حظیره‌های ترکیبی ساده و تحول‌یافته گونه اول از سده‌های پنجم و ششم قمری است. در این گونه، حظیره در فضای باز ساخته شده و غالباً به شکل سکوی تدفینی با نام‌های دخمه،^۱ صفه، تخت مزار و یا سغنه^۲ بوده است. در کنار حظیره، بنایی با کارکردی متفاوت ساخته شده است که نمونه‌های آن را می‌توان در مسجد تلخنان بابا در مرو (قرن پنجم تا ششم قمری) و مزار خواجه عبدل (قرن پنجم تا ششم قمری) در خواف دید. این بنا که همزمان با حظیره و یا بعد از آن می‌توانست ساخته شده باشد (تصاویر شماره ۱-۵)، اغلب از سده‌های پنجم و ششم قمری به بعد کاربرد مسجد، زائرسرا، مدرّس، قرائت‌خانه قرآن و ... داشته است. در اسناد تاریخی به این گونه فعالیت‌ها در شیراز، یزد و هرات طی سده‌های هشتم تا دهم قمری نیز اشاره شده است (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۱۱۳-۱۱۴؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۷-۲۰۰؛ همو، ۱۳۸۰: ۳۴۵/۴-۶۰۶؛ جعفری، ۱۳۸۴: ۹۶-۳۳۵؛ مایل هروی، ۱۳۸۹: ۶۱). معماران در ساخت این گونه حظیره کوشیده‌اند محل قرارگیری سکوی تدفینی، نظم، تقارن و زیبایی را به کل مجموعه القا کنند (شمینزکی، ۱۳۸۹: ۲۸۷). روند ساخت این گونه از حظیره‌ها (ترکیبی ساده)، غالباً با الزام به قرار گرفتن حظیره در مقابل ایوان ورودی بنا/ایوان تا قرن چهاردهم ادامه یافته است که از بعضی نمونه‌های آن می‌توان به مسجد مولانا (قرن نهم قمری) در تایباد، مقبره شاهزاده قاسم (قرن یازدهم قمری)، بقعه خواجه ابونصر پارسا در بلخ (تیموری-زبک)، مقبره عبدالرحمن جامی (قرن دوازده تا چهارده قمری) در هرات و غیره اشاره کرد (تصاویر شماره ۸، ۱۰، ۱۵ و ۳۱).

گونه سوم، حظیره ترکیبی پیچیده است که در عصر تیموری و پس از آن، با افزایش جمعیت منطقه، شکل‌گیری مناسبات اجتماعی جدید و گسترش نحله‌های فکری، مانند طریقت نقشبندیه، شکل‌گرفت و ساختمان‌هایی جدید به بناهای حظیره‌ای پیشین افزوده شد. در این گونه، سکوی تدفینی و حظیره در فضای باز با سازه‌های مختلف، مانند خانقاه، مسجد، مدرسه، حوض بزرگ و به‌ویژه چندین ایوان ستون‌دار چوبی پیرامون یک صحن ساخته شده است (تصاویر شماره ۱۷-۲۴).

نوآوری شگفت معماران در قرن هشتم قمری، افزودن ایوان به گنبدخانه و ساخت حظیره در

1 Dakhma

2 Saghana

مقابل آن - برای نمونه در مجموعه تربت جام (تصویر شماره ۶) - مشتمل بر ده فضای معماری (از سده‌های هفتم تا سیزده قمری) شامل صحنی وسیع، گنبدخانه با نام و کارکرد جماعت‌خانه و نمازخانه (از سال ۳۳ق) و ایوان (از نیمه اول قرن هشتم قمری) است. از مهم‌ترین تحولات معماری مقابر حظیره‌ای نواحی مختلف به‌ویژه افغانستان، اهمیت دادن بیشتر به پیش‌طاق محاط بر حظیره و تزئینات آن با کاشی‌های معرق و ساخت گنبد‌های خیاره‌ای است (تصاویر شماره ۱۴ و ۳۰). در برخی آثار این مناطق - احتمالاً از قرن نهم قمری - تنها به ساخت ایوانی به جای گنبدخانه در مقابل مزار و حظیره بسنده شده است. در برخی نمونه‌ها، مانند مقبره عبدالرحمن جامی در هرات، فضای مقابل ایوان و حظیره با یک دیوار مشبک سرتاسری محصور شده است؛ بدین شکل که به‌جز در گاه در یک ضلع دیوار، هیچ‌گونه فضای دیگری برای رفت‌وآمد به حظیره و بنا وجود ندارد (تصویر شماره ۳۱).

استفاده از رنگ و کاشی‌ها در فضاهای بیرونی بناها، مانند ایوان‌های مقابل مزار، نوآوری در گوشه‌سازی و منطقه انتقالی گنبدخانه‌ها و ابداع پلان‌هایی جدید، مانند پلان T شکل در نمونه زین‌الدین تایب‌ادی، از دیگر نوآوری‌ها در این دوره تاریخی است (Yusupova, 1997: 238؛ تصاویر شماره ۸ و ۹). تغییرات «الگوی زیستی» و «الگوی کالبدی/ گونه‌شکلی» حظیره‌ها در مجموعه‌های این دوره، سبب شکل‌گیری و رایج شدن آن در ساخت و سازهای دوره‌های پساتیموری شده است. بناها در این گونه مجموعه‌ها، در دو گروه منظم و نامنظم شکل گرفت (ن.ک. به: جدول شماره ۲). مجموعه‌های منظم به سبب وجود تقارن در بناهای آن، غالباً پیرامون یک حیاط یا یک صحن یا میدان ساخته شده‌اند. برای نمونه، مجموعه - مقبره (حظیره ترکیبی) آنو (۸۵۱-۸۶۲ق) شامل دو بنای مدرسه و خانقاه در اطراف مسجد به مثابه یک بنای مرکزی است. در این مجموعه که به نوع پیش‌خانی نیز شناخته می‌شود، ساختمان میانی نقش محور مرکزی مجموعه را دارد و دو بنای کوچک احداث‌شده دیگر در دو گوشه بیرونی آن، به صورت متقارن سازماندهی می‌شوند. این نوآوری در برخی حظیره‌های افغانستان، مانند حظیره‌های سلطان احمد چوگانچی و بی‌بی محب و یا حظیره سعد در مقابل مدرسه گوهرشاد نیز مشاهده می‌شود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۷؛ سلجوقی فکری، ۱۳۶۸: ۴۰۱-۴۰۰؛ Pugachenkova & Khakimiv, 1976: 76؛ pugachenkova, 1993: 3-4).

مجموعه‌های نامنظم شامل مجموعه‌های یادبود سده‌های دهم تا یازدهم قمری، از دوره‌های

شیبانیان و حاکمان ازبک است (تصاویر شماره ۲۴-۱۷). این مجموعه‌ها از جمله مجموعه - مقبره خواجه احرار، غالباً در حومه شهر قرار داشته‌اند و ترکیب‌بندی فضای معماری بناهای آن مرتبط با چشمه، چاه و حوض بوده است (Плетнев и Шваб, 1977: 160-164).

ترسیم نمودار روند رشد گونه حظیره «ساده» به «تکامل یافته و پیچیده» تنها با مطالعه تحولات اجتماعی و فرهنگی روی داده در هر دوره زمانی امکان‌پذیر است. منابع و بودجه تأمین‌کننده ساخت‌وساز بناهای آرامگاهی و ساختمان‌های وابسته به آن، با توجه به اهمیت جایگاه اجتماعی، مذهبی و سیاسی متوفیان حظیره‌ها بر عهده پیروان آنها، حاکمان و بزرگان حکومتی بوده است (اوکین، ۱۳۸۶: ۳۴-۹۹).

شکل کلی گونه اول حظیره‌ها در نواحی مختلف خراسان بزرگ، عموماً بسیار ساده و بدون تزئین بوده و در ساخت محجرهای آن از قلوه‌سنگ، گل، خشت و آجر استفاده شده است؛ در حالی که در گونه دوم و سوم تمامی آنها از آجر و غالباً از سنگ ساخته شده و با گره‌سازی مشبک و تزئینات پرکار همراه شده‌اند. مزارهای دو گونه یادشده نیز با لوح‌های سنگی مرمرین محرابی‌شکل با تاجی زیبا مزین به قلم‌های ثلث، نستعلیق، معقلی و کوفی با موضوع شرح حال متوفی، آیات و شعائر مذهبی پوشانده شده است. این مزارها سنگ افراشته کتیبه‌داری در بالای سر و پای متوفی و میل‌های سنگی - برای نمونه در آرامگاه شیخ جامی (قرن یازده قمری) و خواجه عبدالله انصاری (قرن نهم قمری) - با تزئینات خیاره‌ای و هندسی، گیاهی - اسلیمی دارند و از الگویی به نسبت واحد در ساخت و تزئینات پیروی می‌کنند (صالحی کاخکی، ۱۳۷۲: ۲۲۲-۳۶۶؛ گذار، ۱۳۷۱: ۱۷۹/۱-۱۸۰؛ تصاویر شماره ۷ و ۱۴).

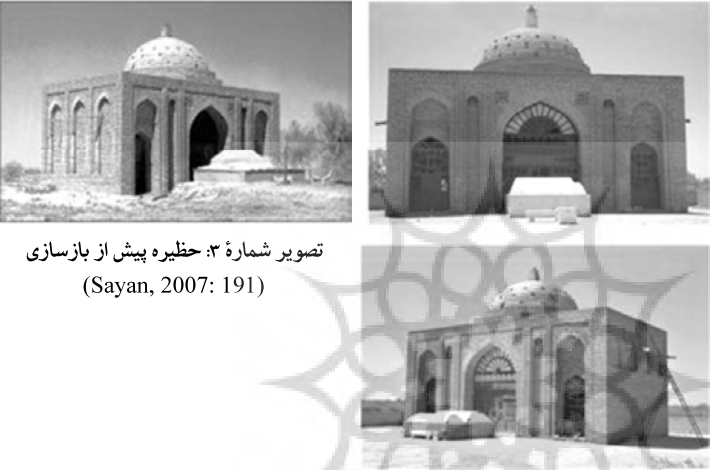
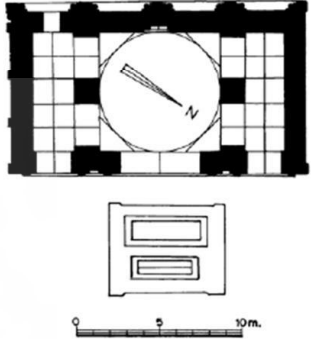
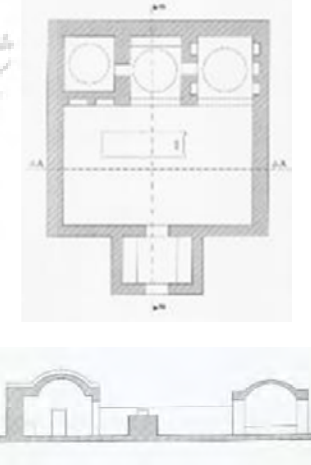
نتیجه‌گیری

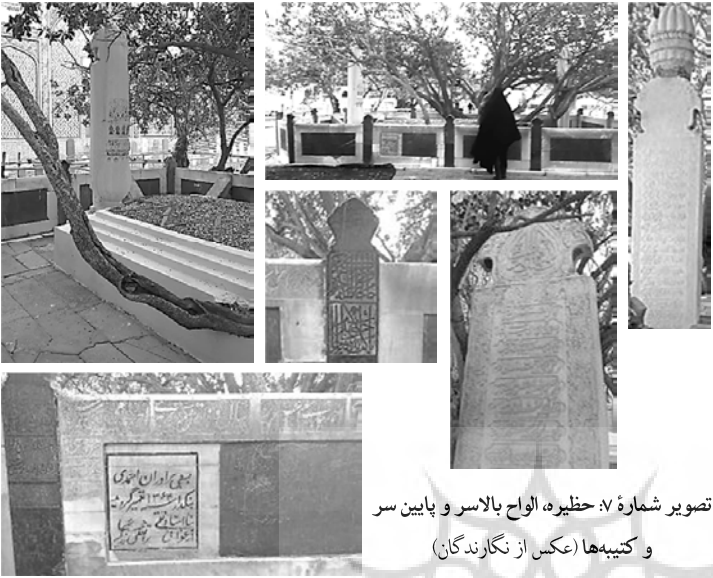
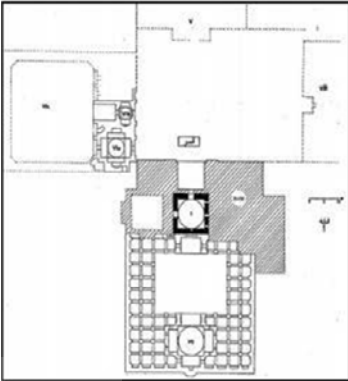
مقابر حظیره‌ای از سنت‌های معمول و کمتر شناخته‌شده در معماری دوران اسلامی است. پژوهش حاضر با تکیه بر گونه‌شناسی و دسته‌بندی ویژگی‌های معماری مقابر آرامگاهی حظیره‌ای بر حسب نوع کارکرد، شکل پلان و وجوه مشترک در یک جزء ساختمان، به‌ویژه نحوه جاگیری حظیره در محوطه آرامگاه و ارتباط فضایی آن با بناهای هم‌جوار انجام شده است. نتایج تحقیق حاکی است که مقابر آرامگاهی حظیره‌ای در سه گونه ساختمانی قابل دسته‌بندی است. در گونه نخست، حظیره بنا به دلایل فقهی منع ساخت آرامگاه بر بنا که در متن از آن سخن گفته شده، سازه‌ای

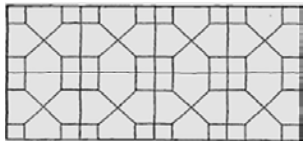
کاملاً ساده و متشکل از دیواری محصور با یک درگاه در کنار شماری قبر در فضای باز بوده است. شواهد معماری به دست آمده از این نوع مقابر، بسیار اندک است. مصالح حظیره‌های گونه نخست از قلوه سنگ، گل و خشت بوده است. گونه دوم، حظیره‌های ترکیبی ساده و تحول یافته گونه اول از سده‌های پنجم و ششم قمری است. در این گونه، حظیره‌ها در فضای باز ساخته شده و غالباً به شکل سکوی تدفینی موسوم به دخمه، صغه، تخت مزار و یا سغنه است. در کنار این گونه حظیره، بناهایی با کارکردهایی چون مسجد، زائرسرا، مدرّس و قرائت‌خانه قرآن ساخته شده که حاکی از توجه عامه مردم به این مجموعه‌ها و انجام فعالیت‌های اجتماعی در آنهاست. معماران در گونه اخیر با انتخاب محل مناسب قرارگیری سکوی تدفینی، کوشیده‌اند تقارن، نظم و زیبایی را در محوطه آرامگاه نشان دهند. گونه سوم، حظیره ترکیبی پیچیده است که در عصر تیموری و پس از آن، با افزایش جمعیت منطقه، شکل گرفتن مناسبات اجتماعی جدید و نحله‌های فکری مانند طریقت نقشبندیه، گسترش بیشتری یافت و ساختمان‌هایی جدید به بناهای حظیره‌ای پیشین افزوده شد. در این گونه، سکوی تدفینی و حظیره، مانند گونه نخست در فضای باز با سازه‌های مختلف، مانند خانقاه، مسجد، مدرسه، حوض بزرگ و به‌ویژه چندین ایوان ستون‌دار چوبی پیرامون یک صحن ساخته شده است. از سده هشتم قمری به بعد، ساخت ایوان بلند در مقابل حظیره، به صورت یک فرم تثبیت شده، در تمامی مقابر از این نوع رایج شد. تحول مهم دیگر دوره تیموری و پس از آن، ترکیب حظیره با سازه‌ها و گنبدخانه‌های گوناگون و در نتیجه، تبدیل آن به مجموعه معماری تدفینی - زیارتگاهی منظم و نامنظم است. در واقع، در گونه اخیر به جای تنها یک ساختمان، چندین بنا برای فعالیت‌های عمومی ساخته شده است. با ظهور گونه جدید (ترکیبی ساده و پیچیده)، تغییرات و نوآوری‌هایی نیز در پلان گنبدخانه انجام شد. بنا بر مطالعات انجام شده و آنچه در جدول شماره ۲ آمده است، سه منطقه متفاوت در خراسان بزرگ، در بسیاری از ویژگی‌ها، مانند حفظ موقعیت فضایی حظیره در برابر ایوان، تنوع در شکل قبور به صورت سغنه، دخمه یا صغه به یکدیگر شباهت دارند. این شباهت در شکل لوح‌ها با تاج تزئینی، کاربرد مصالح، به‌ویژه سنگ مرمر و انواع تزئینات از جمله نقوش گره، اسلیمی-گیاهی و استفاده از کتیبه‌های عربی و فارسی نیز مشاهده می‌شود. با این همه، وجود برخی تفاوت‌ها در بین آثار سه منطقه مطالعه شده، بیشتر حاصل دوره پساتیموری است. افزون بر این، ترکیب حظیره در مجموعه‌های تدفینی نامنظم و تغییر در موقعیت فضایی آن از محور ایوان به محور حوض و

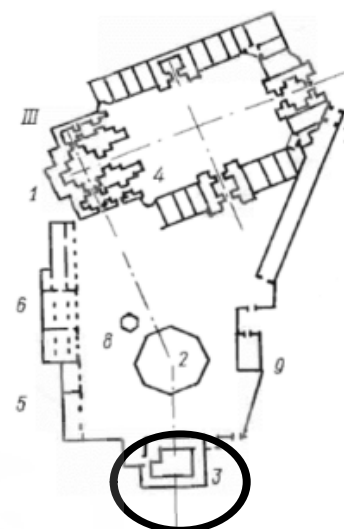
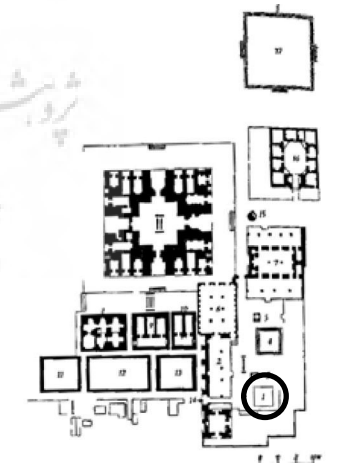
جایگزین کردن ایوان‌های ستون‌دار چوبی با سقف منقوش با نقاشی‌های زیبا به جای بناهای گنبددار و کاشی‌کاری شده نیز محصول همان دوران است.

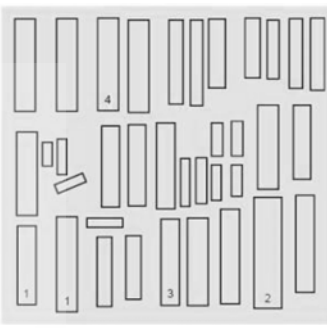
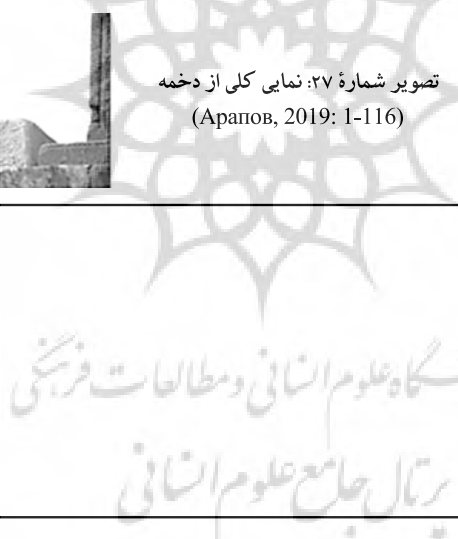
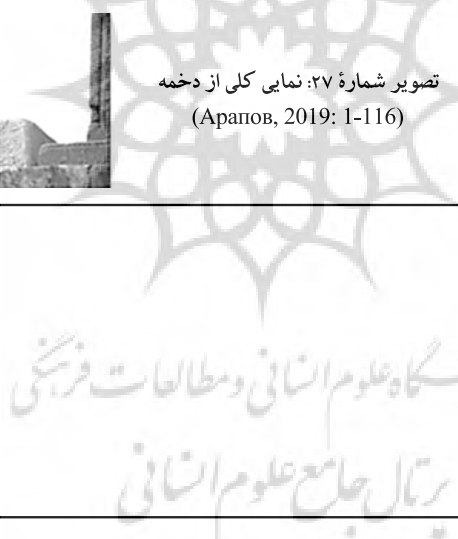
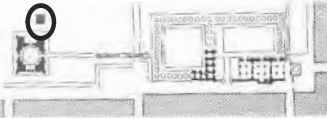
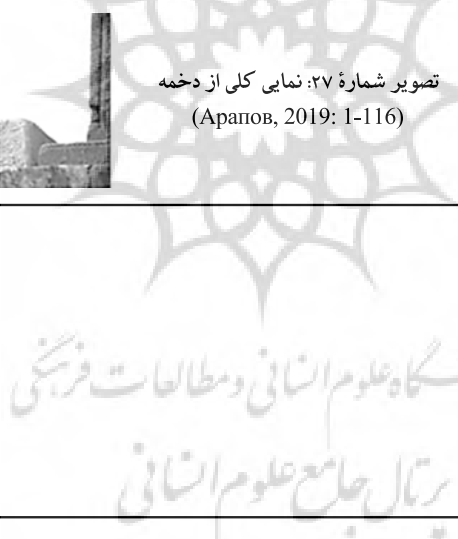
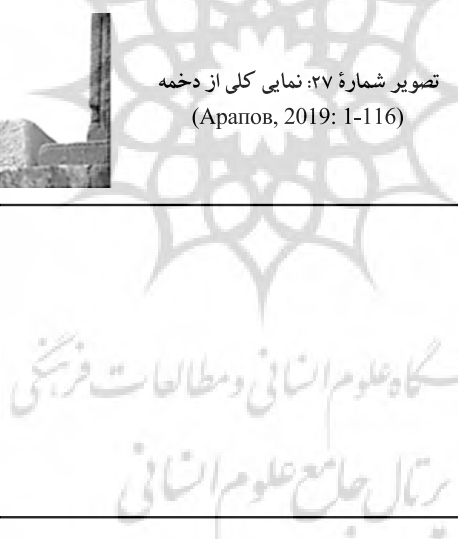
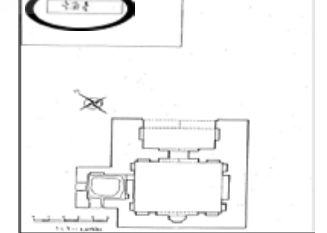
جدول شماره ۱

تصویر کلی از حظیره و تزئینات	نام بنا، پلان و موقعیت مکانی - فضایی حظیره
 تصویر شماره ۳: حظیره پیش از بازسازی (Sayan, 2007: 191) تصویر شماره ۲: مسجد تلختان‌بابا (Kantarci & et, 2014: 139; Arapov, 2013: 105)	 تصویر شماره ۱: مسجد تلختان‌بابا (Arapov, 2013: 142)
 تصویر شماره ۵: سکوی تدفینی مزار (سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی)	 تصویر شماره ۴: مزار شیخ عبدالدرخواف

 تصویر شماره ۷: حظیره، الواح بالاسر و پایین سر و کتیبه‌ها (عکس از نگارندگان)	 تصویر شماره ۶: مزار شیخ احمد جامی (گلمبک، ۱۳۶۴: ۲۷)
 تصویر شماره ۹: حظیره، قبر، لوح‌ها، تزئینات و کتیبه‌ها (عکس از نگارندگان)	 تصویر شماره ۸: مسجد مولانا (حمزه‌نژاد و خراسانی مقدم، ۱۳۹۱: ۱۲۱)

 تصویر شماره ۱۱: محجر مشبک	 تصویر شماره ۱۲: طرح گره محجر مشبک (صالحی کاخکی، ۱۳۷۹: ۳۳۷)
 تصویر شماره ۱۴: ایوان، حظیره و میل‌سنگی (عکس از نیک‌محمد مستمند غوری)	 تصویر شماره ۱۳: مقبره خواجه عبدالله انصاری (Hillenbrand, 1987: 265)
 تصویر شماره ۱۶: نمای کلی ایوان و حظیره در سال‌های ۱۹۱۶، ۱۹۶۷-۱۹۵۴، ۲۰۱۴-۲۰۱۵ و ۲۰۲۱ م	 تصویر شماره ۱۵: مقبره خواجه ابونصر پارسا (McChesney, 2021)

 تصویر شماره ۱۸: حظیره قدیمی (Arapov, 2019: 78, 85; Polovtsoff, 1932: 39-40) تصویر شماره ۱۹: حظیره امروزی و لوح بالاسر (عکس از سپهر سیری)	 تصویر شماره ۱۷: مجموعه شیخ احرار (Плетнев & Шваб, 1977: 219)
 تصویر شماره ۲۱: دخمه و لوح حظیره (عکس از سپهر سیری) تصویر شماره ۲۲: حظایر موجود در مجموعه شیخ بها الدین (Тошев & Абдуллаев, 2022: 4-11)	 تصویر شماره ۲۰: مجموعه شیخ بها الدین و موقعیت حظیره در آن (Аверьянов & Башарин, 2009: 294)

 تصویر شماره ۲۵: مجموعه مخدومی اعظم (Арапов, 2006: 41)	 تصویر شماره ۲۴: نمای کلی مجموعه خواجه عبدی بیرون (Ibid, 24-26)	 تصویر شماره ۲۳: مجموعه خواجه عبدی بیرون (Rayimkuloy, 2023: 24-26)
 	 تصویر شماره ۲۷: نمایی کلی از دخمه (Арапов, 2019: 1-116)	 تصویر شماره ۲۶: پلان دخمه سلسله شیبانی (Арапов, 2019: 81)
		 تصویر شماره ۲۸: پلان مجتمع خواجه علیم خان در آسیای مرکزی و انحراف در موقعیت فضایی حظیره (عدم قرارگیری حظیره در مقابل ایوان ورودی) (Арапов, 2019: 81)
		 تصویر شماره ۲۹: پلان مقبره عبدالله باخرزی در ایران و انحراف حظیره از ایوان ورودی (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۷)



تصویر شماره ۳۰: نگاره تدفین از منطق الطیر
عطار و کاشی کاری دیوار و پیشطاق محاط
بر حظیره
(Yusupova, 2023: 233)



تصویر شماره ۳۱: ساخت ایوانی عالی در مقابل قبر و حظیره عبدالرحمن
جامی و دیوار مشبک سرتاسری آن (عکس از نیک محمد مستمند غوری)



تصویر شماره ۳۲: حظیره غجدوانی در آسیای مرکزی
(Арапов, 2010)

جدول شماره ۲

خراسان امروزی	آسیای مرکزی	افغانستان	وجوه اشتراک و افتراق
✓	✓	✓	۱. گونه اول (حظیره ساده)
✓	✓	✓	۲. گونه دوم (حظیره ترکیبی ساده)
✓	✓	✓	۳. گونه سوم (حظیره ترکیبی پیچیده)
✓ نامنظم (مجموعه شیخ احمد جامی)	✓ منظم و نامنظم (آنو و خواجه احرار)	✓ نامنظم (گازرگاه)	۴. موقعیت فضایی حظیره در مجموعه‌های تدفینی- زیارتگاهی
✓	✓	✓	۵. موقعیت فضایی حظیره در برابر ایوان
-	✓	-	۶. موقعیت فضایی حظیره در برابر حوض آب و یا بدون توجه به موقعیت فضایی مراکز عمومی
✓	✓	✓	۷. انحراف در موقعیت فضایی حظیره (تصاویر شماره ۲۸ و ۲۹)
✓ آجری و سنگی	✓ آجری و سنگی	✓ گلی، خشتی، آجری و سنگی	۸. مصالح مورد استفاده در حظیره
✓ حیوانی	✓ حیوانی، نقاشی و چراغ‌خانه	✓ چراغدان	۹. تزئینات در هر دو بخش مراکز عمومی و حظیره (هندسی، گیاهی و کتیبه)
✓	✓	✓	۱۰. الواح بالاسر و پایین‌سر متوفی
✓	✓	✓	۱۱. تبدیل حظیره به گورستان
✓	✓	✓	۱۲. وجود درخت کهنسال
✓	؟	✓	۱۳. وجود دو مناره تزئینی در بالای ایوان
✓	✓	✓	۱۴. نوآوری و توسعه معماری
✓	✓	✓	۱۵. سنت‌های مرتبط با زیارت مقابر

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- ابوروح، لطف‌الله بن ابی سعید (۱۸۹۹م)، حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، تصحیح الیاس میرزا بوراغانسکی: بطرزبورغ (سن‌پترزبورگ): الیاس میرزا بوراغانسکی.
- اتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابر (۱۳۸۶)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.
- اوکین، برنارد (۱۳۸۶)، معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق)، صحیح البخاری، ج ۲، قاهره: جمهوری مصر العربیه، وزارت الاوقاف مصر، المجلس الأعلى للشئون الاسلامیه، لجنة احیاء کتب السنه.
- بلر، شیلا و جان‌تان بلوم (۱۳۸۵)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: سروش.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی (۱۳۷۴)، تاریخ بیهقی، تصحیح خلیل خطیب رهبر، ج ۱، تهران: مهتاب.
- یوگانچکوا، گالینا آناتولیا (۱۳۸۷)، شاهکارهای معماری آسیای میانه (سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی)، ترجمه داوود طبایی، تهران: فرهنگستان هنر.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۸۴)، تاریخ یزد، تصحیح ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۳.
- جنید شیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم (۱۳۲۸)، شد الازار فی حطّ الاوزار عن زوار المزار، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، تهران: چاپخانه مجلس.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۳۷۵)، تاریخ نیشابور، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر آگه.
- حسینی قزوینی، شرف‌الدین فضل‌الله (۱۳۸۳)، المعجم فی آثار ملوک العجم، تصحیح احمد فتوحی‌نسب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- حکیم ترمذی (۱۴۲۲ق)، ختم الاولیاء، تصحیح عثمان اسماعیل یحیی، بیروت: مهد الآباد الشرقيه.
- حمزه‌زاد، مهدی و صبا خراسانی مقدم (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی مزارهای اسلامی در ایران، براساس مفاهیم قدسی تشبیه، تنزیه، جمال و جلال»، مطالعات معماری ایران، ش ۲، صص ۱۰۹-۱۲۸.
<https://sid.ir/paper/219399/fa>
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۷۲)، مآثر الملوک، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: رسا.
- (۱۳۸۰)، تاریخ حبیب السیر، ج ۴، تهران: خیام.
- دیتس، ارنست (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، ج ۳، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سلجوقی فکری، عبدالرئوف (۱۳۷۳)، رساله مزارات هرات شامل سه حصه، به تصحیح، مقابله، حواشی و تعلیقات فکری سلجوقی، نشراتی فاروقی: افغانستان.
- (۱۳۴۱)، گازرگاه، کابل: وزارت اطلاعات و کلتور، ریاست کلتور و هنر و انجمن تاریخ افغانستان.
- سمرقندی، ابوطاهر بن قاضی ابوسعید (۱۳۶۷)، سمریه، به کوشش ایرج افشار، تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.

- شملنیزکی، سرگنتی (۱۳۸۹)، معماری اسلامی، ترجمه اکرم قیطاسی، تهران: سوره مهر.
- صالحی کاخکی، احمد (۱۳۷۲)، «معماری ایرانی در شرق خراسان (تربت جام و تایباد) از قرن پنجم تا دوازده قمری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- عمر بن فارض (۱۴۱۰ق)، دیوان ابن‌فارض، تصحیح مهدی محمد ناصرالدین، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- غزنوی، سدیدالدین محمد (۱۳۸۴)، مقامات ژنده پیل، تصحیح حشمت مؤید، تهران: علمی و فرهنگی.
- فرغانی، سعیدالدین (۱۴۲۸ق)، منتهی المدارک فی شرح تائیه ابن‌فارض، ج ۲، عاصم ابراهیم الکیالی الحسینی الشاذلی الدرقاوی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- قمی، قاضی سعید (۱۳۷۹)، شرح الأربعین، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران: میراث مکتوب.
- گذار، آندره (۱۳۷۱)، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرومقدم، ج ۱، ۲، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- گلمبک، لیزا (۱۳۶۴)، «دوره‌های ساختمانی مجموعه تاریخی تربت شیخ‌جام»، ترجمه باقر شیرازی، اثر، ش ۱۰ و ۱۱، صص ۵۷-۱۶. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/624572>
- گلمبک، لیزا و دونالد ویلبر (۱۳۷۴)، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۸۹)، شیخ عبدالرحمن جامی، تهران: انتشارات طرح نو، چ ۲.
- مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، تصحیح محمد فؤاد عبدالباقی، ج ۱، قاهره: دار الحديث.
- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۷۱)، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرومقدم، ج ۱، ۲، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- موسوی حاجی، رسول، جواد خدادوست و شهین پورعلی یاری (زمستان ۱۳۹۱)، «سبک مقبره سازی متصوفه در شرق خراسان: باخرز، تربت جام، تایباد و هرات»، خراسان بزرگ، ش ۹، صص ۶۳-۷۰. <https://doi.org/20.1001.1.22516131.1391.3.9.6.5>
- نرشخی، آبی‌بکر محمدبن جعفر (۱۳۶۳)، تاریخ بخارا، تصحیح مدرس رضوی، تهران: توس.
- نوشاهی، عارف (۲۰۱۰)، خواجه احرار، ترجمه شعیب احمد، اسلام‌آباد: پورب آکادمی.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۸۷)، معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه.

منابع لاتین

- Abdug'afforovich, E. A. and B. A. Qahramon o'g'li (2021), «Architecture and Fine ARTS in the Shaybanid Period», International Journal on Orange Technologies, 3(6): pp.113-118. <https://doi.org/10.31149/ijot.v3i6.2024>
- Allen, T (1983), "Timurid Heart", *Tubinger Atlas des Vorderen Orients (TAVO)*, 56, pp.1-96.
- Amanbaeva, B (2013), *The Artistic Culture of Central Asia and Azerbaijan in the 9th-*

- 15th Centuries*, Vol.4, Samarkand-Tashkent: IICAS.
- Arapov, A (2013), *The Artistic Culture of Central Asia and Azerbaijan in the 9th-15th Centuries*, Vol.4, Samarkand-Tashkent: IICAS.
 - Badadjanov, B, A, Muminov and J. Paul (1997), *Schaibanidische Grabinschriften*, Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag.
 - Golombek, Lisa (1969), *The Timurid Shrine and GazurGah*, Toronto: Royal ontario Museum.
 - Gupta, R. K (2018), *Naqshbandi Sufis: the golden chain of Prophet Muhammad to Indian Sufis*, BR Publishing Corporation.
 - Hillenbrand, Robert (1999), *Islamic Architecture*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
 - (1987), “Aspects of Timurid Architecture in Central Asia”, in Utrecht Papers on Central Asia, Proceedings of the First European Seminar of Central Asian Studies held at Utrecht, 16-18 December 1985, eds. M. van Damme and H. Boeschoten, pp.255-286. <https://www.academia.edu/33130329>
 - Kantarci, K, M. Uysal and V.P. Magnini (2014), *Tourism in Central Asia: Cultural potential and challenges*, CRC Press.
 - Manoev, S (2016), “Some Issues of Formation of Architectural Ensembles In Uzbekistan”, *International Journal of Innovative Science, Engineering & Technology*, vol.3, Issue 4, pp.164- 170. Corpus ID: 198110305
 - McChesney, R. D (2021), *Four Central Asian Shrines ,Studies in Persian Cultural History*, Boston : Brill.
 - Okane, B (1979), “Taybad Turbat-Jam & Timurid vaulting”, *Iran*, 17(1), pp.87-104. <https://www.jstor.org/stable/4299678>
 - Oumniakov, Ivan. and Youri Aleskefov (1973), *Samarkand: guide illustré*, Moscou: Editions du Progreš.
 - Polovtsoff, Alexandre (1932), *The land of Timur: recollections of Russian Turkestan*, London: Methuen.
 - Pugachenkova, G. A, and Akbar Khakimov (1993), *The art of central Asia*, Tr: Nahid Karim Zandi, Tehran: Vezarate Farhang va Ershad Eslami.
 - Pugachenkova, G. A (1976), *Architecture of Central Asia in the XV*, Tashkent: publishing House of Literature and Art.
 - Pugatschenkowa, G. A. and A. Chakimow (1988), *Die Kunst mittelasiens*, dem Russischen übertragen von Michail Buranow & Adolf Freima, Leningrad: Aurora -Kunstverlag.
 - Rayimkulov, A. A (2023), “Khoja Abdi Berun Complex in Samarkand's Architectural Significance as a Cultural Heritage”, *CENTRAL ASIAN JOURNAL OF ARTS AND DESIGN*, 4(2), pp.23-27. DOI: <https://doi.org/10.17605/OSF.IO/HMU6B>
 - Sayan, Yüksel (2007), “Türkmenistan’daki Mimarlık Mirasının Türk Mimarisindeki Yeri ve Bu Mirası Korumanın Önemi”, *Avrasya Etüdleri*, S. 31–32, s. 175–208. <https://www.kitantik.com/product/AVRASYA-ETUDLERI-SAYI-31-32->

2007_0z8kgltkbl0u31911lt.

- *The Art of Central Asia*, (1996), Bournemouth: Editions Parkstone.
- Yusupova, M (1997), “L’évolution architecturale des couvents soufis à l’époque timouride et post-timouride”, *Cahiers d’Asie centrale*, 3/4, pp.229-250.
- (1999), “Evolution of architecture of the Sufi complexes in Bukhara”, In *Bukhara: The Myth and the Architecture*, Cambridge, Massachusetts: Aga Khan Program for Islamic Architecture.
- (2012), “Islamic architecture of Uzbekistan: Development and features”, *Journal of Islamic Thought and Civilization*, 2(2): pp.51-63.
URL: <http://journals.openedition.org/asiacentrale/491>
- (2023), *Memory and Commemoration across Central Asia*, Brill, 222-241.
- Zubaydullayev, U. Z, and I. T. Maxmatqulov (2021), “Architecture self-built Khanaka buildings of medieval Central Asia”, *World Bulletin of Management and Law*, Vol.3. pp.56-59. <https://www.scholarexpress.net>
- Арапов, А. В (2006), *Исторические памятники Узбекистана: самарканд, бухара, Хива: санат*.
- (2010), *Бухара. Шедевры Центральной Азии*, SMI-ASIA, 120 стр.
- (2019), *Самарканд. Шедевры Центральной Азии*, Ташкент: SMI-ASIA.
- Аверьянов, Ю. А. and П. В. Башарин (2009), “Мазар Баха ад-Дина Накшбанда вчера и сегодня”, In (Центральная Азия: традиция в условиях перемен). https://www.kunstkamera.ru/files/lib/978-5-884314-159-6/978-5-884314-159-6_09.pdf
- Пугаченкова, Г.А, и Л.И Ремпель (1965), *История искусств Узбекистана: с древнейших времен до середины девятнадцатого века*, Москва: Искусство.
- Плетнев, И. Е, и Ю.З Шваб (1977), *Средняя Азия в древности и средневековье (история и культура)*, (Под ред. Б.Г. Гафурова и Б.А. Литвинского), М: издательство Наука.
- Лапин, С. А (1896), *Перевод надписей на исторических памятниках г. Самарканда*, вып. IV, СКСО.
- Маликов, А. М (2023), “ПРАВЛЕНИЕ ШИБАНИДОВ В САМАРКАНДЕ: ЛЕГИТИМАЦИЯ, КУЛЬТУРА И МОНУМЕНТАЛЬНОЕ ЗОДЧЕСТВО (1512-1578)”, *Золотоордынское обозрение*, 11(1): pp.143-166. DOI: 10.22378/2313-6197.2023-11-1.143-166.
- Тошев, И. И. and С. С. Абдуллаев (2022), «Мемориальный комплекс Бахоуддин Накшбанди в Бухаре», *Universum: общественные науки*, 2 (81), pp.11-14. URL: <https://7universum.com/ru/social/archive/item/13128>
- Юсефи, Д. М (2009), “Мазары Хорасана и Мавераннахра эпохи Тимуридов”, (PhD & Институт истории, археологии и этнографии), Академии наук Республики Таджикистан.
<http://www.dslib.net/istoria-otechestva/mazary-horasana-i-maverannahra-jepohi-timuridov-xiv-xv-vv.html>.

- Халилова, Ш. А., & Д. Г. Исламова (2023), «БЛАГОУСТРОЙСТВО ТЕРРИТОРИИ ВОКРУГ МЕМОРИАЛЬНЫХ ПАМЯТНИКОВ. АРХИТЕКТУРА СВЯТЫНИ МАХДУМИ АЗАМ», *ОБРАЗОВАНИЕ НАУКА И ИННОВАЦИОННЫЕ ИДЕИ В МИРЕ*, 18(8), pp.120-122.

List of sources with English handwriting

- Abu Rooh, Lotfollah Ibn Abi Said (1899), *Halat va Sokhanan-e Abu Saeed Abul Khair*, Corrected by Elias Mirza Buraganski, Petersburg. [In Persian]
- Beyhaqi, Abulfazl Muhammad Ibn Hossein Beyhaqi (1374), *History of Beyhaqi*, Corrected by Khalil Khatib Rahbar, Vol 1, Tehran: Mahtab. [In Persian]
- Blair, Sheila., and Jonathan Bloom (1385), *Islamic art and architecture*, Translated by Ardeshtir Eshraghi, Tehran: Soroush. [In Persian]
- Bukhari, Muhammad Ibn Ismail (1410), *Sahih al-Bukhari*, Cairo: The Arab Republic of Egypt, Ministry of Awqaf of Egypt, Majlis-e-Ala Lalshaon-e-Islamiya, Council for Revival of Al-Sunnah Books. [In Persian]
- Dietz, Ernest (1387), *A Survey of Persian Art*, Translated by Baqir Ayatollah Zadeh Shirazi, Vol 3, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Ettinghausen, Richard, and Oleg Grabar (1386), *Islamic art and architecture*, translated by Yagub Azhend, Tehran: Samt. [In Persian]
- Ghaznavi, Sadiduddin Mohammad (1384), *Maghamat zendeh pil*, Correction by Heshmat Moayed, Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian]
- Godard, Andre (1371), *Athar-e Iran*, Translated by Abul Hasan Sarvmoghadam, Vol 1-2, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [In Persian]
- Golombek, Lisa (1364), *"Construction Periods of Torbat Sheikh Jam Historical Complex"*, Bagher Shirazi, Athar, No 10 and 11: 16-57. [In Persian]
- Golmbek, Lisa, and Donald Wilbur (1374), *The Timurid architecture of Iran and Turan*, Translated by Karamatullah Afsar and Mohammad Youssef Keyani, Tehran: Iran's Cultural Heritage Organization. [In Persian]
- Hakem Nishaburi, Abu Abdullah (1375), *History of Neyshabur*, Tehran: Agah Publishing. [In Persian]
- Hakim Tirmezi (1422), *Khatam al-Olia*, Corrected by Osman Ismail Yahya, Beirut: Mahdalabad Al-Sharqiya. [In Persian]
- Hamzenejad, Mehdi., and Saba Khorasani Moghadam (1391), *"Typology of Islamic tombs in Iran, based on the sacred concepts of Tashbih, Tanzieh, Jamal and Jalal"*, Iranian architectural studies. first year, No. 2: 109-128. [In Persian]
- Hillen Brand, Robert (1387), *Islamic architecture*, translated by Baqir Ayatollah Zadeh Shirazi, Tehran: Rozaneh. [In Persian]
- Hosseini Qazvini, Sharafuddin Fazlullah (1383), *Al-mu'jam fi asar muluk Al-Ajam*, Edited by Ahmad Fatuhi Nasab, Tehran: Association of Cultural works and Honors. [In Persian]

Persian]

- Jafari, Jafar Ibn Mohammad Ibn Hasan (1384), *History of Yazd*, Edited by Iraj Afshar, Tehran: Scientific and Cultural Publications. **[In Persian]**
- Junaid Shirazi, Moin-al-din Abulqasem (1328), *Shed al-Azar fi haz al-Azar an zovar Al-Mazar*, Edited by Mohammad Qazvini and Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Majles Printing office. **[In Persian]**
- Khondmir, Ghiyath al-Din Ibn Hamam al-Din (1372), *Ma'athir al-Maluk*, Edited by Mir Hashim Muhaddeth, Tehran: Rasa. **[In Persian]**
- Khondmir, Ghiyath al-Din Ibn Hamam al-Din (1380), *history of Habib al-Sair*, Tehran: Khayyam. **[In Persian]**
- Maile Heravi, Najib, (2009), *Sheikh Abdul Rahman Jami*, second edition, Tehran: Tarhe no Publishing. **[In Persian]**
- Mostafavi, Mohammad Taqi (1371), *Athar-e Iran*, Translated by Abul Hasan Sarv-e moghadam, Vol. 1-2, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. **[In Persian]**
- Mousavi Haji, Rasul and others (1391), «*Sufi Tomb Building Style in Eastern Khorasan: Bakharz, Torbat-e Jam, Taibad and Herat*», Greater Khorasan, Vol. 9, pp. 63-70. **[In Persian]**
- Muslim bin Hajjaj (1412), *Sahih Muslim*, Edited by Mohammad Fawad Abdul Baqi, Cairo: Dar al-Hadith. **[In Persian]**
- Narshakhi, Abi Bakr Muhammad ibn Jafar (1363), *History of Bukhara*, Edited by Modares Razavi, Tehran: Tus. **[In Persian]**
- Noushahi, Aref (2010), *Khaja Ahrar*, Translated by Shoaib Ahmad, Islam Abad: Purab Academy. **[In Persian]**
- Okane, B (1386), *Timurid Architecture in Khurasan*, Translated by Ali Akhshini, Mashhad: Islamic Research Foundation. **[In Persian]**
- Pugachenkova, Galina Anatolia (2007), *Architectural Masterpieces of Central Asia (14th and 15th Centuries)*, translated by Davood Tabai, Tehran: Art Academy. **[In Persian]**
- Qami, Qazi Saeed (1379), *Sharh al- arbaein*, Edited by Najafkali Habibi, Tehran: Miras Maktob. **[In Persian]**
- Salehi Kakhki, Ahmad (1372), *Iranian Architecture in East Khorasun (Torbat Jam and Taibad) from the 5th to the 12th century AD*, Master and Archeology, Tarbiat Modares, Human Sciences. **[In Persian]**
- Samarkandi, Mohammad ibn Abdul Jalil. And Abu Taher Khawaja Samarkandi (1367), *Qandiya and Samaria*, Edited by the efforts of Iraj Afshar, Tehran: Jahangiri Cultural Institute. **[In Persian]**
- Seljuki Fekri, Abdul Raouf (1368), *Treatise on the tombs of Herat*. **[In Persian]**
- Seljuki Fekri, Abdul Raouf (1341), *Gazergah*. Kabul: Ministry of Information and Culture, Department of Culture and Art, and Afghanistan History Association. **[In**

Persian]

- Shemlinizky, Sergey (1389), *Islamic Architecture*, Translated by Akram Qitasi, Tehran: Surah Mehr. **[In Persian]**
- Umar ibn Farez (1410), *Diwan Ibn Farez*, Edited by Mehdi Mohammad Naseruddin, Beirut: Dar al-Kotab al-Almiya. **[In Persian]**

